توصیه

چگونه زنان را خوشحال کنیم

■ دوستی می‌گفت: «می‌دانم زن‌ها چی دوست دارند، اینکه شوهرشـان پول زیادی در اختیار آنان بگذارد و آنها خرج کنند.»

او اشـتباه می‌کرد، چرا که هـر زنی به راحتی می‌تواند پولی کـه در اختیارش می‌گذارید را خرج کند، اما او با این چیزها نمی‌تواند نیازهای عاطفی‌اش را برطرف کند، چرا که او به شوهرش احتیاج دارد. از طرفی خیلی از مردها عشق خود را با هدیه‌های رویایی که شخصی است، نشان می‌دهند. به راستی می‌دانید همسـرتان چه هدایایی را دوسـت دارد؟ یعنی می‌دانید همسـر شما اگر ماشین ظرفشویی هدیه بگیرد خوشحال می‌شـود یا یک شاخه گل سرخ؟

آنچه کـه در ادامـه می‌خوانیـد نمونه‌هایی از هدایایی است که خانم‌ها خیلی دوست دارند:

یـک شـاخه گل، کارت‌هـای تبریـک، عطر، جواهرات، نامه‌ای که خودتان نوشته باشید، لباسی که دوسـت دارد، گلدان قشـنگ، مجسـمه‌های سرامیکی، کتاب شعر و به اینها شکلات را هم اضافه کنید.

به یاد داشته باشید که خرید هدیه‌ای کوچک و ارزان و تقدیم آن به شکلی خوشایند، می‌تواند برای او جالب توجه‌تر باشد.

«الـن کریدمن» در کتابش تحـت عنوان «راز دلبسته کردن زن» یا «چراغ دل زنت را روشن کن» می‌نویسـد: جرالد می‌گفت: همسرم، هر روز کورن فلکس را با شیر می‌خورد، به خاطر همین موضوع، به سـوپرمارکت رفتم و یک جعبه بزرگ برشتوک خریـدم و آن را با یک گره پاپیونی بسـته‌بندی و یادداشـتی هم ضمیمه‌اش کـردم: برای بهترین و کامل‌ترین زنی که می‌شناسـم. می‌توانم به شـما بگویم آن شب آمدنم به خانه خیلی استثنایی بود، چنین هدیه کوچکی برای او مفهوم بسیاری داشت.

و یا «چیپ» یک بسته شکلات خرید و آن را در کیف همسرش گذاشت و یادداشتی هم ضمیمه آن کرد که روی آن نوشته بود: به همسر بی‌نظیرم که همیشه به من خوبی و عشق هدیه می‌دهد.

زمانی که مرد به سرکارش رسید، زن به او تلفن کـرد که بگوید با این کارش روز خوبـی را برای او تدارک دیده است.

یا یکی دیگر از دوسـتانم می‌گفت: من هر روز صبـح خیلی زود سـر کار می‌رفتم، شـب قبل به گل‌فروشی رفتم، یک شاخه گل رز و یک شاخه گل زنبق خریدم و صبح روز بعد به همراه یادداشتی در کنار بالش زنم گذاشتم. روی یادداشت نوشته بودم: گل‌های رز قرمز هستند و بنفشه‌ها آبی، گرچه من در محل کارم هستم، به تو فکر می‌کنم. شب که به خانه آمدم با من مثل یک سلطان رفتار شد. تصورم

این بود که برای خوشـحال کردن همسرم به پول فراوان احتیاج دارم، اما دریافتم که دو شاخه گل به اندازه یک کت خز موثر است. یا دیگری یک مجسمه عقاب سرامیکی خرید و یادداشتی به آن چسباند که روی آن نوشته بود: «زمانی که تو در کنارم هستی، من از عقاب بالاتر پرواز می‌کنم» سـپس آن را در جایی که مطمئن بود، زنش پیدا می‌کند، گذاشت. آن مجسمه سرامیکی حالا جزو یکی از دارایی‌های باارزش اوست. «آلن کروفی» می‌گوید: تمامی این مردهـا از اینکه وقتی بخواهند فکـر خود را به کار بیندازند، چقدر خلاق خواهند بود، حیران شـدند. هدیه‌هایی که آنها دادند، شاید کوچک بود، اما برای همسران‌شان دنیایی ارزش و نتایجی جالب توجه به همراه داشت.

هر آنچه را تصمیم می‌گیرید به همسرتان هدیه بدهید، مطمئن باشـید که هدیه‌ای کامل اسـت. همیشـه کار اضافی نیز انجام دهید، اگر هدیه‌تان گلدان اسـت، در آن گل بگذارید، اگر هدیه وسیله موسیقی است، یادداشتی کوچک روی آن بگذارید، اگر امکان پیچیدن هدیه هسـت، آن را بسته‌بندی کنید. چون زن‌ها دوسـت دارند بسته‌بندی‌ها را باز کنند، اگر هدیه شـما یک ظرف شیرینی است، در آن حتما شیرینی بگذارید.

زنی می‌گفت پس از ۲۵ سال ازدواج، هنوز اولین سـالگرد ازدواجم را به یاد دارم. شـوهرم آن روز را فراموش کرده بود، ابتدا تصور می‌کردم که او شوخی می‌کند، اما شوخی در کار نبود.

من تمام روز را گریه کردم، سـرانجام در حدود ساعت هشت شـب، او شتابان به فروشگاهی رفت و یک ظرف مخصوص شـکلات خریـد و به خانه آورد، وقتـی آن ظرف را دیـدم بلندتر گریه کردم، برای آنکه می‌دانستم در خرید آن اصلا فکر نکرده است، چون من رژیم داشتم و او یک ظرف شکلات خریده بود (او حتی درک این را نداشـت که در آن ظرف شکلات بگذارد.) زنی دیگر می‌گفت: شوهرم در خانواده‌ای بزرگ شده است که عادت به خریدن هدیـه ندارند. او هرگز ندیده بـود که پدرش برای مادرش گل بیاورد. از این رو واقعا تصور نمی‌کرد که روزهای تولد یا سالگرد اهمیت دارند.

مصاحبه با دکتر بدرالسادات بهرامی، روانشناس

آقایان، چگونه همسرتان را خوشحال کنید

منبع: کوریس

آیا تا به حال رفتار شما باعث ناراحتی همسرتان شده است؟

زن و مـرد به عنـوان دو موجـود متفاوت دارای مسـایل و روحیات مخصوص به خود هسـتند که شـناخت آنها نقش بسـیار مهـم و اساسـی در پی‌ریـزی زمینه‌هـای تفاهم و سازگاری آن دو و برقراری روابط سالم خانوادگی و اجتماعی دارد. البته منظور ما، این نیست که خصوصیات اخلاقی خود را به طور کلی تغییر دهید بلکه مراقب آن دسته رفتارهایی باشـید که به مزاج همسـرتان خوش نیاید. بدین معنی که اگر مردان به روانشناسـی زنان و زنان به روانشناسی مردان آشنایی کافی پیدا کنند، می‌توانند از در کنار هم بودن بیشتر لذت ببرند. در اینجا بدرالسادات بهرامی، روانشناس و مشاور خانواده، شما را با خصوصیاتی که مردان و زنان دوست ندارند همسرشـان داشته باشد، آشـنا می‌کند. لطفا به این موارد توجه و شناخت خود را بیشتر و نگرش خود را زیباتر کنید.

■ ■ ■

قابل توجه آقایان!

مردهای نیازمند

این‌گونه مردها بیش از حد احساساتی هستند و از همان آغاز کار تمام عواطف خود را بیرون می‌ریزند.

اعتماد به نفس و استقلال از جمله خصوصیات جذاب آقایان در نظر خانم‌هاست خانم‌ها به دنبال مردی قدرتمند هستند که بتواننـد در زندگی به او تکیه کنند. عدم اطمینان و وابسـتگی نکوهیده اسـت، این‌گونه مردها در نظر خانم‌ها بسیار سست و دست و پا چلفتی هستند، بنابراین تکیه‌گاه مناسبی برای خانم‌ها به حساب نمی‌آیند و یک زن نمی‌تواند در کنار این مرد احساس خوشبختی کند.

مردی که رفتارش قابل پیش‌بینی باشد

خانم‌ها از این نوع مردها خوش‌شان نمی‌آید چرا که می‌توانند به راحتی تمام عکس‌العمل‌های‌شان را پیش‌بینی کنند. چنین مردی در ذهن خود پیرو یکسری قوانین و مقررات خاص است که همیشـه رفتارهایش را بر پایه آنها انجام می‌دهد و هیچ‌گاه از این چارچوب خارج نمی‌شـود. در حالی‌که زنان، عاشـق این هسـتند که توسط شوهرشان غافلگیر شـوند. به عنوان مثال هیچ‌گاه برای اینکه خانم را سورپرایز کنند، بدون قرار قبلی او را به گردش نمی‌برند یا اینکه اگر خانمی چیزی احتیاج دارد قبل از اینکه خودش بگوید، مرد آن را برایش نمی‌خرد.

مردی که خسیس باشد

خانم‌ها از این تیپ مردها بیزارند. ممکن اسـت حتی مردی ثروتمند باشد و خانه بزرگ و شیک یا ماشین مدل بالا داشته باشد ولی به نیازهای مادی زن توجه نکند و در دادن امکان مالی به همسر خود خساست به خرج دهد و با حساب و کتاب به همسرش پول دهد. زن در زندگی با این مرد حتی همان‌طور که گفتیم اگر بهترین امکانات از نظر خانه و ماشین هم برایش فراهم باشد ولی چون استقلال مالی ندارد، احساس سرخوردگی می‌کند.

مردان وابسته به خانواده خود

زن‌هـا از زندگی با این مردان بسـیار رنج می‌برند چون در زندگی مشترک، خود را در اولویت پس از مادرشوهر، پدرشوهر و خواهرشوهر می‌بینند. این‌گونه مردها قبل از اینکه با همسر خود مشورت کنند، اول خانواده خود را مقدم می‌دانند و حرف خانواده خود را بیشتر قبول دارند و هر اتفاقی که در زندگی با همسرش می‌افتد به خانواده خود اطلاع می‌دهد. اگر این مردها به همسر خود بیشتر بها و او را در کنار خانواده خود قرار دهند، می‌توانند زندگی خود را در برابر مشکلات عدیده‌ای که حتما برای‌شان رخ خواهد داد، مصون بدارند.

مردان هوس‌باز

زنـان از مردان تنوع‌طلب و هوس‌باز متنفرند چرا که گمان می‌کنند برای شوهر خود هیچ اهمیتی ندارند که مرد نگاه خود را متوجه زن دیگری می‌کند.

قابل توجه خانم‌ها

سپری کردن بیشـتر اوقات در کنار همسر یکی از الزامات زندگی مشترک است اما نکته‌ای که بعضی از زنان به آن توجه نمی‌کنند این است که بین زندگی مشترک و وابستگی بیش از حد به شوهر در امورات معمول زندگی باید تفاوت قایل شوند. در مقابل عده‌ای از خانم‌ها بعد از ازدواج فکر می‌کنند، هنوز دختر خانه بوده و هیچ سهمی در انجام امورات معمول زندگی به عهده نمی‌گیرنـد، این تصویر خانم‌ها در طول زمان باعث مشـکلات عدیده‌ای در زندگی مشـترک می‌شود. شما می‌توانید با توجه به نکته‌هایی که خانم دکتر بهرامی آنهـا را برای مردان ناخوشایند می‌داند، در زندگی مشترک خود به تعادل برسید.

> **مردها از زنانی که عصبی و عصیان‌گرند و تمام مدت داد و فریاد می‌کنند، بیزارند این زنان هرچند زیبا یا خانه‌دار باشند ولی به خاطر ستیزه‌جو بودن مورد توجه آقایان نیستند. مردها، خانم‌هایی که اهل بحث و گفت‌وگو باشند و قادرند که مشکلات‌شان را از راه منطقی حل کنند، می‌پسندند**

با مردان رفتار مادرانه نداشته باشید

هنگامی که شـما با شوهرتان مثل یک کودک رفتار می‌کنید، او احسـاس می‌کند مورد قضاوت قرار گرفته اسـت در نتیجه عزت نفس او کم می‌شـود و مثل یک فرد نالایق رفتار می‌کند. اگر با او مثل یک پسربچه رفتار کنید او هم مثل یک بچه عمل می‌کند.

خودتان را فدا نکنید

برخی زنان همواره شخصیت خود را قربانی می‌کنند و نسبت به مردان زندگی‌شان را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهند. برای مثال دست از علایق، سرگرمی‌ها و فعالیت‌های‌شان می‌کشند، دوسـتان و اعضـای خانواده خود را که مورد تایید شوهرشـان نیسـتند، کنار می‌گذارند و حتـی آرزوهای خـود را فراموش می‌کنند و در عوض به شوهرشان برای برآوردن آرزوهایش کمک می‌کنند. بنابراین با گذشت زمان مرد خود را بالاتر از همسرش می‌پندارد و از زندگی در کنار این زن احساس خوبی ندارد.

عصبی نباشید

مردهـا از زنانـی که عصبـی و عصیان‌گرنـد و تمام مدت داد و فریـاد می‌کنند، بیزارند این زنـان هرچند زیبا یا خانه‌دار باشند ولی به خاطر ستیزه‌جو بودن مورد توجه آقایان نیستند. مردها، خانم‌هایی که اهل بحث و گفت‌وگو باشـند و قادرند که مشکلات‌شان را از راه منطقی حل کنند، می‌پسندند.

شکاک نباشید

برعکس روزگار گذشـته که معمولا مردها به همسران‌شان شـک داشـتند و آنها را تحت کنترل خود در می‌آوردند امروزه قضیه برعکس شده به طوری که مردها توسط همسران‌شـان کنترل می‌شوند، امری که اعتماد در زندگی زناشـویی را سست می‌کند و حس ناراحتی آقایان را نسبت به همسران فراهم می‌آورد.

خانم‌های مادی‌گرا

خیلی ساده و راحت بگوییم این نوع زن‌ها فقط به خاطر پول ازدواج می‌کنند و مرد را شـبیه ماشین چاپ اسکناسی می‌بیننـد و انتظـار دارنـد کـه تمام هزینه‌های غیرضروری آنها برآورده شود. این نوع زنان فقط به مادیات توجه دارند و فقط به فکر برآورده کردن نیازهای خودشـان هستند و برای دیگران هیچ اهمیتی قایل نیستند. کمتر مردانی می‌توانند این زنان را تحمل کنند.

زنان حسود که چشم و هم‌چشمی می‌کنند

بعضـی از خانم‌هـا با فامیل یا دوسـت و آشـنا رفت‌وآمد می‌کنند که فقط زندگی خود را به رخ آنها بکشـند و از زندگی آنها چیزی کم نداشـته باشـند و خدا آن روز را نیاورد که آنها کمبودی احساس کنند چون شوهر خود را مجبور می‌کنند که بهتر از دیگران برایش تهیه کند. این‌گونه زنان همیشه در حال حسـادت و چشم و هم‌چشمی هستند. مردان در زندگی با این زنان هیچ‌گاه احساس آرامش ندارند و در عذابند.

قابل توجه زنان و مردان

برخی خصوصیات در زنان و مردان مشترک هستند و هر دو دوست ندارند که همسران‌شان این‌گونه باشند.

مردان و زنانی که به ظاهر خود اهمیت نمی‌دهند

بهداشـت فردی هم بـرای مـرد و هم بـرای زن یکی از ملزومات اسـت. مردان دوسـت دارند که همسرشان به ظاهر خود و بهداشت فردی خود توجه کند. اگر زنی به نظافت خانه اهمیت زیادی دهد و خانه‌اش همیشه تمیز و مرتب باشد ولی سر و وضع خودش آشفته باشد و همیشه بوی غذا بدهد برای شوهرش بسیار آزاردهنده است و این نکته در مورد مردان نیز صدق می‌کند چون بعضی از آقایان گمان می‌کنند چون مردند ظاهر و سـر و وضع‌شان مهم نیسـت و نباید مرتب باشند، در حالی‌که این‌گونه نیسـت و زنـان از زندگی در کنار این مردان احساس خوبی ندارند.

مردان و زنان دهن‌بین

هـم مـردان و هم زنان از داشـتن همسـری که دهن‌بین باشد، بیزارند. این‌گونه افراد ثبات شخصیتی ندارند و هر لحظه تصمیم‌شـان با حرف دیگران عوض می‌شـود و پایدار نیست. زندگی در کنار این همسـران بسیار دشوار است چون هیچ‌گاه نمی‌توان روی حرف این افراد حساب باز کرد.

مردان و زنانی که به فرزند خود بیشتر اهمیت می‌دهند

گاهـی با به دنیا آمدن یک کـودک رابطه میان زن و شـوهر سرد می‌شود که این سردی ممکن است از طرف مرد یا زن صورت بگیرد به این معنی که فرزند را بر همسر خود ترجیح می دهند و آنقدر به فرزند اهمیت می‌دهند که گویی همسر خود را نمی‌بینند. در این صورت همسر، کودک خود را رقیب خود می‌پندارد و در زندگی مشترک دچار سرخوردگی می‌شود.

زن و روز زن در تاریخ ایران باستان

بررسی جایگاه زن در ایران باستان و در دوره‌های هخامنشی و آیین زرتشـت که به نوعی دوره آغاز شـکل‌گیری سـرزمین آریایی‌هاست، نشان‌دهنده سطح والای فکری مردمان آن روزگار است که در بسیاری موارد، افسوس را با خود به ارمغان می‌آورد، چرا که اگر تحولات ناشـی از حکومت‌هـای گوناگون آن زمان تغییری در شرایط زیستی آدمیان ایجاد نمی‌کرد، ایران و ایرانی، هـم اکنون به عنوان بزرگ‌ترین مدعی حقوق انسـانی در دنیا شناخته می‌شد و این عنوان را زینت نام خود می‌کرد.

تا پیش از پیدایش حکومت هخامنشی یعنی در زمان مادها، دختر و داماد پادشاه می‌توانستند جزو وارثان وی باشند. با روی کار آمدن کوروش کبیر و حکومت آن، هخامنشـیان و قوانین وضع‌شده توسـط آنها، وضعیت زنان در حالت ثبات و اعتدالی ارزشمند قرار گرفت، به‌طوری که نمونه قوانین آن زمان در میان هیـچ یک از ممالک و اقوام یافت نمی‌شـد. اما با اجرای قوانین کوروش کبیر بر سرزمین پارسیان، زن از چنان درجه احترامی برخوردار شـد که آوازه آن به دیگر اقوام نیز رسید و همین امر باعث پیروی آنان از آداب اصیل ایرانی شد.

مشـهورترین نمونه تسـاوی حقوق زنان و مردان در ایران باسـتان، اجازه انتقال سلطنت از پادشـاه به دختر بود. آخرین پادشاه مادها «آستیاک»، دارای فرزند پسر نبود و دختر آستیاک کسـی نبود جز شـاهزاده ماندانا، مادر کوروش کبیر که همین مسـاله در انتقال قدرت به کوروش نقش مهمـی را بازی کرد. ماندانا همچنین موسـس مدارس هخامنشـی برای نوجوانان ایرانـی بود که در آن فنون تیراندازی و اسب‌سـواری را آموزش می‌دادند. در بررسی وضعیت زنان در عصر هخامنشی به نام‌هایی بر می‌خوریم که شاید هیچ‌گاه پس از آن، اثری از چنین رویدادها و وقایعی را در تاریخ ایران نبینیم.

در زمان هخامنشیان، یک زن برای نخستین بار در تاریخ به مرتبه دریاسالاری (فرماندهی نیروی دریایی) خشایارشاه رسید که نامش «آرتمیس» بود. اما حکایت به آرتمیس ختم نمی‌شود. فرمانده آرسیاب زنی داشت به نام پانتهآ که فرمانده گارد جاویدان بود. اسـتاتیرا، دختر داریوش سوم فرمانده نیروهای جنگی آن زمان بود. آذرمیدخت، دختر خسرو پرویز، پس از مرگ خواهرش پوران‌دخت، به پادشـاهی رسید. آرتونیس، یکی از شجاع‌ترین فرماندهان جنگی زمان داریوش بود و پری‌ساتیس، زن داریوش دوم در زمان حکمرانی شوهرش از ارتشبدان آن زمان به شمار می‌رفت. آرتادخت، رییس خزانه پادشاه چهارم اشکانی بود. سورا، دختر اردوان پنجم در نیروی ارتشـی پدرش، سمت سپهبدی داشت. پرین، دختر قباد، مشاور امور قضایی ساسانیان بود و آزاد دیلمی، فرمانده یک باند چریکی بود که در گیلان سال‌ها علیه متجاوزان به ایران جنگید و سرانجام کشته شد.

این دسته از زنان یا کسانی همچون سمیرامیس، ملکه آشور و بابل که در جنگجویی و شـجاعت در زمان خود همتا نداشت یا بلقیس که قسـمتی از یمن آن زمـان، تحت فرماندهی وی بود، می‌توانند نمادی از تمدن والای انسـان در جوامع پیشین ایران به شمار روند. اما افتخارات بر جای‌مانده از ایران باستان در همین محدوده خلاصه نمی‌شود، بلکه با تعمق بیشتر در آداب و آیین‌های قوم آریایی و تعالیم زرتشت که در آن زمان تازه به مرحله ظهور رسیده بود، جایگاه زن ایران بیش از پیش نمایان می‌شود.

زن در ایران باستان به معنای واقعی در هر مکان و زمان به طور برابر در فعالیت‌های سیسـتم اجتماعی شریک مرد بود و حتی در جهت قوانین دینی می‌توانست به مرحله «زوت» برسد، یعنی درجه‌ای در مقام بالای مذهبی که لازمه آن، فراگیری علوم دینی تا بالاترین مرحله آن بود.

روز زن در ایران باستان

از گذشـتگان دور، روز زن را در اسفندگان پنجم اسفند برگزار می‌کردند. این روز «سـپندارمز» نامیده می‌شـود که نگهبان زمین است. از آنجایی که زمین همانند زنان باروری دارد، این جشـن برای گرامی‌داشـت زنان نیکـوکار برگزار می‌شود. واژه سپندارمز در اوستا به معنی فروتنی و بردباری اسـت. در این روزها مـادران از فرزندان خود و زنان از مردان پیشـکش‌هایی دریافت می‌کنند و زنان نیکوکار، پاکدامن و پرهیزکار مورد تشـویق قرار می‌گیرند. در سـفره این جشن جامی از شیر و تخم مرغ که نشانه ماه بهمن است، قرار دارد. به جز آنها میوه‌های فصل به ویژه انار و سیب، شاخه‌های گل، شـربت و شیرینی، برگ‌های خشک آویشـن با دانه‌هایی از سنجد و بادام در چهارگوشه سفره قرار می‌دهند و مواد خوشبو و کنـدر روی آتـش می‌گذارند و مقدار کمـی از هفت‌گونه حبوبات و دانه‌ها که در جشن مهرگان، برای سفارش کاشتن در آن فصل در سفره جشن مهرگان قرار داده‌اند، می‌گذارند.

اسفندگان از جمله جشـن‌های ماهیانه‌ای است که اطلاع دقیقی از گذشـته برپایی آن مکتوب نیسـت. امـا بنابر گفته ابوریحـان بیرونی در ایران قدیم، جشـنی با نـام مزدگیران یا مردگیران در بین مردم رواج داشـته اسـت. از ویژگی‌های این جشـن که زمان برگزاری آن پنج روز نخسـت ماه اسفند بوده، اسـتراحت کامل زنـان از کار، تلاش، کوشـش و فرمانبرداری کامل مردان از زنان بوده اسـت. در این چند روز به پاس تلاش یک‌سـاله زنان، مردان وظایف ایشان را بر دوش گرفته و با این کار، فعالیت‌هـای یک زن را تجربه می‌کردند و در عین حال در این روز هدیه دادن به زن خانه از آداب و رسوم اصلی این جشن به شـمار می‌رفته است. این جشـن به نام «سپنته آرمئی‌تی» یا «فروزه» از خودگذشـتگی، فروتنی و مهر بی‌پایان، شناخته شـده است. «سپنته آرمئی‌تی» یا سپندارمز یا اسفند امروزی، نام چهارمین امشاسـپند و نام پنجمین روز هر ماه است که در جهان مادی به خاطر داشـتن صفت پاک و ارزشمند «سپنته آرمئی‌تی» نگهبان زمین نام گرفته است. در کتاب‌های مربوط به آیین ایرانیان باستان آمده است: «سپنته آرمئی‌تی، فروزه‌ای است با ویژگی‌های زنانه و مادرانه یعنی مهر، عشق بی‌پایان، تواضع و فروتنی که به راستی زمین نمادی نیکو بر آن است.»

طبق سالنامه زرتشتی، روز اسفند از ماه اسفند یعنی پنجمین روز از این ماه (پنجم اسـفند) و بنا بـر تقویم امروزی (هجری خورشیدی) ۲۹ بهمن ماه روز پاسداری از جایگاه زنان و مادران است. براساس سنت باسـتانی، مردان و فرزندان در روز سپنته آرمئی‌تی که مظهر ایمان، مهر، عشـق، محبـت و حامی زنان نیک است، به همسران و مادران خود هدایایی تقدیم می‌کنند و برگزاری مراسـم جشن و سـرور در این روز ضروری است. به این ترتیب از محبت و مهربانی زنان سـپاس‌گزاری می‌شود. در این روز ویژه، همچنین انجام کارهای خانه بر عهده مردان است و زنان با پوشـیدن لباس‌های نو، مورد تکریم قرار می‌گیرند. در مراسم جشن اسفندگان در آیین ایرانی همچنین زنان پاکدامن و پرهیزکار که به تربیت فرزندان نیک پرداخته‌اند و این فرزندان به عنوان شخصی نیک شناخته شده‌اند، تشویق می‌شوند.

منبع: زنده زود

یادداشت

صدای من را بشنوید: من یک زنم

اعظم صفایی

■ سـخن از زن و مقام والای او دیرگاهی است که نقل محافل اجتماعی، عامی و روشنفکری است. به خصوص هرچه به روز زن نزدیک می‌شـویم، بحث دربـاره این مقوله داغ‌تر می‌شـود. ولی به راسـتی آن‌گونه که سخن می‌رانیم، اهل عمل نیز هستیم؟ آیـا تک‌تک ما به عنوان یک همسـر، یک فرزند یا مقامی مسوول به وظایف خود نسبت به این گوهران آفرینش واقفیم؟ تا چه حد مشکلات آنان را لمس می‌کنیم و سعی در مرتفع ساختن آنها می‌کنیم؟ اینها سـوال‌هایی هستند که اگر مسلمان باشیم و مدعـی دفاع از حقوق زن، بایـد ذهن‌مان را درگیر آنها کنیم.

امروز دیگر خبری از زنده به گور کردن دختران نیست ولی خبر آن را داریم که در گوشه‌ای از دنیای ما برخی جنین دختر را سقط می‌کنند، مادرانی که با دستان خود فرزندشان را از دیدن زیبایی زندگی و آفرینش محروم می‌کننـد تا ثابت کنند هنوز تا رسیدن به آرمان تساوی حقوق زن و مرد راه درازی پیش رو داریم. خوشـبختانه در کشور عزیزمان به یمن دین مبین اسلام خبرهایی از این دست نیست و حتـی زنده به گور کـردن دختران هم که بعد از اسـلام حرام شد، تنها در میان اعراب رواج داشت و زنان ایرانی از گذشته همان‌گونه که در شاهنامه نیز آمده از شأن بالایی برخوردار بوده‌اند. وضعیت زنان و مقام آنها در ایران به واقع از زمان سلطنت حکومت زن سـتیز قاجار رو به افول نهاد، پـس از پیروزی انقلاب اسلامی حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی سبب شد تا نقش آنان مجددا پررنگ شود و توانمندی‌های‌شان شکوفاتر گردد. آنها ثابت کردند به جز خانه‌داری و بچه‌داری هنرهای دیگری دارند که اگر بسـتر مهیا باشد، گوی سـبقت را از مردان نیز می‌ربایند، البته این رشد و ترقی برای برخی از مردان که به سبب حفظ ارثیه مردسالارانه قاجاریان توان دیـدن یک زن و به اصطلاح خودشـان یک ضعیفه را در پسـت‌های مدیریتی و حضور پررنگ آنها در اجتماع را نداشتند، سبب سنگ‌اندازی‌هایی از جانب آنها شـد. آنها تمام تلاش خـود را به کار گرفتند تا زنان را مجددا سر جای اول خود بنشانند و هر چـه تلاش این عده افزون می‌شـد، مقاومت زنان بالاتر می‌رفت و با دسـتیابی به موفقیت‌هایی کـه در عرصه‌هـای گوناگون کسـب کردند، امید آنان را ناامید سـاختند. رشد و ترقی زنان از همان زمـان تاکنون ادامـه دارد و باید گفت از طرفی کم نیستند مردانی که با حمایت‌ها و دلگرمی‌های‌شان بـه زنان راه موفقیت آنان را در عرصه‌های گوناگون همواره‌تر می‌سـازند. مردانی که به شدت از خوی و خصلت‌های مردسالارانه گذشته‌شان فاصله گرفته‌اند و زنان را نه در مقابل خود، بلکه همراه و مساوی خود می‌دانند. زنانی که اگرچه تا دستیابی به آرمان‌های خـود راه درازی پیش روی دارند و همواره با وجود محرومیت‌ها، قوانین نابرابر و سـدهایی که در برابر خواسـت‌ها و علایق آنها ساخته شده است تسلیم نشده و افتخار آفریده‌اند.

روی سـخن ما با مردانی است که همواره دم از سـنت و تاریخ می‌زنند اما در عمل خلاف آن رفتار می‌کنند و در حق زنـان اجحاف می‌کنند. مگر نه اینکه از دین اسلام سفارش اکیدی به حفظ حرمت زن شده است و احادیث بسیاری در این زمینه نقل شده آیا صحیح است این قوانین و احادیث را بدانیم و تنهـا هر کجا به نفع‌مان بود از آن بهره‌گیریم؟ به راستی چرا روز ولادت حضرت فاطمه سلام‌الله را روز زن نامیده‌اند، دلیل آن هرچه باشد غیر این است که تنها در همین یک روز به یمن ولادت بانوی اسلام سـخنرانی‌ها و افاضاتی بر زبان برانیم و از مقام زن سخن بگوییم و پس از آن تمام گفته‌های خود را از یاد ببریم؟ آیا واقعا زنان را می‌شناسیم، آیا می‌دانیم چه چیز عامل رضایت‌مندی و خشنودی آنهاست؟ چرا اغلب دختران ما از اعتمادبه‌نفس کمتری نسبت به پسران برخوردارند، به چه علت با تولد نوزاد دختر برخی از ما ناراحت و افسرده می‌شویم، گویی زمین و زمان بر سرمان خراب شده است مگر نه اینکه ریشه تمامی این مسایل و پاسخ این چراها از فرهنگ غلط نشـأت می‌گیرد، فرهنگی که حق انتخاب شریک زندگی را بـه مردان می‌دهد. فرهنگـی که در آن زنی که مورد آزار و اذیت همسر واقع می‌شود، باید بسـوزد و بسازد چرا که طلاق ننگ است و برای او حکم مرگ دارد، آنچه مسـلم اسـت این است که تمامی اینها ریشـه در خرافات و افکار زن‌سـتیزانه دارد وگرنه اسـلام ما دین شفقت و مهربانی است و این قوانین متاثر از خودکامگی است. تا زمانی که در محیط‌های کاری زنان با مزاحمت‌های صاحبان کار خـود مواجه‌اند، تا زمانی‌که حقوقی که آنان در مقایسه با کار برابر با مردان دریافت می‌کنند، بسیار ناچیزتر است، تا زمانی که در محیط‌های خانوادگی شاهد قربانی شدن زنان و استثمار آنان توسط مردان هسـتیم و با مردانی مواجه‌ایم که خود را مالک زن می‌نامند و حق آزار و اذیت آنان را به خود می‌دهند، تساوی واقعی شـکل نمی‌گیرد. چگونه می‌توانیم در این روز شـاد باشـیم، در حالی که در گوشه‌ای از شهرمان چهره زنی به دلیل ظلم و تبعیض، گریان و درمانده اسـت. ما به یکدیگر گل هدیه بدهیم در حالی که سهم برخی از زنان اشک و غم باشد؟ روز زن روزی اسـت که در کشور ما چهره هیچ زنی به ناحق گرفته و درمانده نباشد، روزی است که شاهد منسوخ شدن قوانین تبعیض‌آلود علیه زنان باشیم و روزی اسـت که فاطمه سلام‌الله از همه ما راضی و خرسند باشد.